

مصاحبه با زهرا رود دهقان دانشجوی مقطع PhD رشته آموزش پرستاری و برگزیده بخش اجتماعی اولین

جشنواره دانشجویی ابن سینا

ضمن عرض سلام و تشکر از اینکه دعوت ما را پذیرفتید لطفاً خودتان را معرفی کنید.

زهرا روددهقان متولد سال ۶۱ در شهر تهران و فرزند جانباز ۵۵٪ هستم. یک خواهر و چهار برادر دارم. در سال ۷۹ در رشته پرستاری علوم پزشکی تهران قبول شدم در سال ۸۳ مقطع کارشناسی ارشد داخلی جراحی را ادامه دادم، در سال ۸۹ در مقطع PhD رشته آموزش پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران پذیرفته شدم؛ و هم اکنون در حال کار بر روی پایان نامه خود هستم.



لطفاً از نحوه جانبازی پدر برایمان بگویید.

پدرم در زمان جنگ در نیروی انتظامی خرمشهر مشغول به دفاع از کشور بود و در حین یکی از مأموریت‌هایش بین راه خرمشهر و اهواز مورد اصابت خمپاره قرار گرفت و بر اثر شدت جراحات وارده دست چپ خود را از ناحیه بازو از دست داد.

آیا پدر شما بعد از جانبازی ازدواج کردند؟

خیر، پدر من در زمان جنگ متأهل بود. خواهر بزرگ‌ترم و من در دوران جنگ به دنیا آمدیم. ولی پدرم با وجود داشتن همسر و فرزند خردسال مانند بسیاری از هم‌زمانانشان در جنگ شرکت می‌کرد و این امر را وظیفه خود می‌دانست. از نظر ایشان و هم‌زمانانشان تأهل آنان مانع تعهد آن‌ها به امام و انقلاب و ارزش‌های والای انسانی نمی‌شد؛ بنابراین آن‌ها به تکلیف شرعی و انسانی خود عمل کردند و در جهت حمایت از آب و خاک و ناموس خود لباس رزم پوشیدند.

آیا خاطره‌ای از جنگ به یاد دارید؟

در زمان جنگ من خیلی بچه بودم بنابراین خاطرات من بسیار گنگ است؛ فقط یادم هست خانواده‌هایی که عزیزی در جبهه داشتند همواره چشم‌به‌راه بودند و مواقعی که دو سه تا از رزمنده‌ها، با یک دسته گل به در خانه

مصاحبه با زهرا رود دهقان دانشجوی مقطع phd رشته آموزش پرستاری و برگزیده بخش اجتماعی اولین

جشنواره دانشجویی ابن سینا

بعضی افراد می‌آمدند و خبر شهادت عزیز را برای خانواده‌اش می‌آوردند لحظات دردناکی بود که از جلوی چشم پاک نمی‌شود.

نقش مادران را پس از جانبازی پدر چگونه ارزیابی می‌کنید.

مادرم واقعاً با مسئله جانبازی پدرم صبورانه برخورد کرد. بهتر بگویم هم ما شش فرزند و هم پدرم تمام پیشرفتمان را مرهون کمک‌های مادرم هستیم. به حق که ایشان مدیر لایقی است و حضورشان در خانه باعث جاری شدن رحمت و برکت است.

گاهی پدرم به خاطر مجروحیتش و دردهایی که گاه و بی‌گاه به سراغش می‌آمد بسیار اذیت می‌شد و ناخودآگاه بدخلقی می‌کرد ولی مادرم با خشوع تمام به ایشان خدمت می‌کرد و در تمام مراحل کمک‌حال ایشان بود

این مسئله باعث شد پدرم خیلی راحت‌تر با مشکلاتش و دردهایش کنار بیاید چون می‌دانست یار و یاور فداکار چون مادرم در کنار خود دارد این امر باعث می‌شد آرامش خوبی در خانه برای ما فراهم شود و ما توانستیم با خیال راحت به مسائل درسی خود برسیم. من به خاطر داشتن پدری چنین بزرگوار و مادری چنین فداکار به خود مباحثات می‌کنم و آرزو می‌کنم بتوانم مایه افتخار آنان باشم هرچند که هرگز نمی‌توانم از پس محبت‌ها و بزرگواری‌های آنان بر آیم.

چه ویژگی خاصی در پدرتان وجود دارد؟

پدرم ویژگی‌های خوب زیادی دارد ولی پر انرژی و فعال بودن ایشان بارزترین خصوصیتشان است. پدرم متولد ۱۳۳۴ هستند و در زمان جنگ فقط تا اول دبیرستان درس خوانده بودند. ولی مسئله جنگ، جانبازی و تعدد فرزندان نتوانست ایشان را از علاقه‌ای که به تحصیل داشتند بازدارد؛ بنابراین پدرم همگام با ما و علی‌رغم مشکلات فیزیکی که داشتند شروع به تحصیل در رشته دلخواهشان یعنی رشته حقوق کردند و توانستند مدرک کارشناسی خود را بگیرند. این شور و انگیزه وصف‌ناشدنی در پدرم چون نور امیدی فرا راه ما قرار گرفت و انگیزه‌ای شد تا از سکون در هر مرحله‌ای از زندگی بپرهیزیم.

در حقیقت ایشان به ما نشان دادند مفهومی به نام بن بست در زندگی کسی وجود ندارد و اراده انسان‌ها می‌تواند هر سدی را نابود کند

این بزرگ‌ترین درسی بود که ما از پدر یاد گرفتیم و فهمیدیم به صرف اینکه درس می‌خوانیم نباید خود را از فعالیت‌های دیگر زندگی محروم کنیم؛ بنابراین من با توجه به فضاهای فرهنگی و اجتماعی و ورزشی موجود تصمیم گرفتم از زمان خود به بهترین نحو استفاده کنم و در کنار مسائل آموزشی به مسائل دلخواه خود نیز

مصاحبه با زهرا رود دهقان دانشجوی مقطع phd رشته آموزش پرستاری و برگزیده بخش اجتماعی اولین

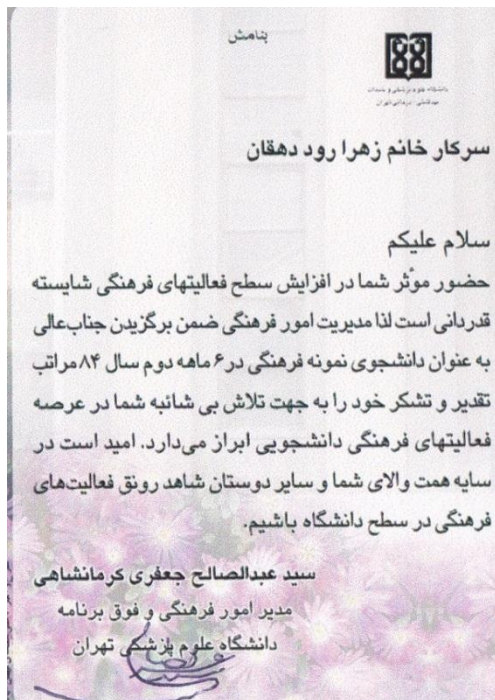
جشنواره دانشجویی ابن سینا

پیردازم. و با توجه به نیروی مضاعفی که از پدرم می‌گرفتم در مسابقات قرآنی دانشگاه شرکت کردم و توانستم در ترجمه قرآن به دو مقام دست یابم. همچنین مسئول تیم پزشکی عتبات عالیات نیز هستم و هشت سال است که با اتاق فکر نهاد رهبری همکاری می‌کنم. در دوران دانشجویی هم دبیر اتاق فکر بسیج جامعه پزشکی قم بودم و خدا را شکر این فعالیت‌ها هرگز خللی در امور آموزشی من به وجود نیاورد.

انگیزه شما از ورود به دانشگاه و انتخاب رشته و ادامه تحصیل در آن چه بود؟

من از ابتدای تحصیل به رشته‌های تجربی و علوم بالینی علاقه داشتم ولی به واقع هیچ شناختی نسبت به رشته پرستاری نداشتم. بعد از کنکور ابتدا رشته‌های پزشکی را انتخاب کردم و بعد از آن رشته‌های پرستاری و مامایی را زدم. ناگفته نماند که من اصلاً از سهمیه استفاده نکردم. پس از قبولی در این رشته به یاد دارم اساتید و دانشجویان سال بالاتر تا حدودی از این رشته و شرایط کاری بد آن صحبت می‌کردند ولی این امر باعث نشد که چشمم را به روی افق‌های جدید ببندم و هرچه بیشتر ادامه دادم علاقه‌ام به این رشته بیشتر شد. بعد از زلزله بم و با توجه به موقعیت‌های پیش‌آمده به پر اهمیت بودن رشته‌ام بیشتر پی بردم و تصمیم گرفتم در مقطع کارشناسی، ایست نکنم بلکه با نیروی مضاعف به سمت قله‌های تحصیل و علم آموزی حرکت کنم.

از نظر من در کنار بیمار بودن یک موهبت الهی بود و چون افراد توانمندتر، بیشتر می‌توانند مژمر ثمر واقع شوند تصمیم گرفتم این دیدگاه منفی را از خود دور کنم و با نگاهی مثبت حرکتی رو به جلو را آغاز نمایم



وقتی بیماری با درد به اورژانس مراجعه می‌کند و با رضایت خاطر بیمارستان را ترک می‌کند لحظات بسیار قشنگی برای کادر درمانی رقم می‌خورد و این بهترین خاطره برای ما می‌شود. با توجه به تجربه‌ای که از درد پدرم و همدردی مادرم با ایشان جهت کاهش آلام ایشان به دست آورده‌ام، بر این باورم در ارتباط با بیمار و حمایت از او از مرحله پذیرش تا ترخیص باید سعی کرد احترام و کرامت بیمار حفظ شود و این چیز ارزشمندی است. من هم خودم این امر را رعایت می‌کنم و هم دانشجویانم را تشویق به انجام آن می‌نمایم.

برنامه‌ریزی تحصیلی‌تان جهت پذیرفته شدن در این رشته

چگونه بود؟

من در دبیرستان هم جزء دانش‌آموزان درس‌خوان بودم و کلاً به رشته‌های علوم طبیعی علاقه داشتم؛ بنابراین صرفاً به دنبال پذیرش در رشته‌های پزشکی نبودم و به رشته‌های

مصاحبه با زهرا رود دهقان دانشجوی مقطع PhD رشته آموزش پرستاری و برگزیده بخش اجتماعی اولین

جشنواره دانشجویی ابن سینا

علوم پایه هم علاقمند بودم. درس خواندن و کسب رتبه خوب برایم بیشتر از معطوف شدن به یک رشته خاص اهمیت داشت. چون اعتقاد دارم افراد توانمند در هر مقطعی که باشند دیده خواهند شد و هرگز بن بستنی در زندگی علمی و اجتماعی آنان به وجود نمی آید؛ بنابراین با وجود داشتن معدل ۱۹/۴۶ در انتخاب پنجم در کنکور سراسری رشته پرستاری را انتخاب کردم؛ و توانستم با معدل ۱۷/۶۰ دوره کارشناسی را به پایان برسانم و مقطع کارشناسی ارشد را با معدل ۱۸/۳۳ و با عنوان دانشجوی نمونه کشوری تمام کردم؛ و معدل در زمان تحصیل در دوره دکتری نیز همواره ۱۹ و بالاتر بوده است.

بعد از شنیدن خبر قبولی در مقطع PhD چه حسی داشتید؟

مسلماً خوشحال شدم ولی اقرار می‌کنم من هیچ‌گاه برای بیلان کاری تلاش نکردم. از نظر من پذیرفته شدن در مقاطع بالاتر به معنای پذیرفتن مسئولیت‌های بیشتر است، کلاً معتقدم کسب موقعیت‌های جدید در زندگی ما صرفاً به منزله موفقیت نیست. ما انتخاب‌ایم تا تکلیف بزرگ‌تری را انجام دهیم. فقط باید ببینیم خداوند چه تکلیفی برای ما در موقعیت جدیدمان در نظر گرفته و ما چگونه می‌توانیم از پس این امتحان الهی بر بیاییم.

شما یکی از پذیرفته‌شدگان جشنواره ابن سینا هستید لطفاً در این خصوص برایمان توضیح دهید.

دوران دانشجویی، زمان بسیار خوبی برای مشارکت در سایر فعالیت‌ها هم هست بعضی از دانشجویان فکر می‌کنند فقط باید درس بخوانند که متأسفانه همان را هم درست انجام نمی‌دهند. زمان دانشجویی فرصت بسیار خوبی جهت شناخت ظرفیت‌های خودمان و گسترش این ظرفیت‌هاست. ما باید بتوانیم استعداد‌های خودمان را بشناسیم و در جهت بسط و گسترش آن تلاش کنیم. به قول رهبر فرزانه، دانشجوی خوب دانشجویی است که خوب تحصیل کند، خوب تهذیب کند و خوب ورزش کند و در یکی دیگر از فرمایشاتشان می‌فرمایند دانشجو باید به مسائل پیرامون خود در حوزه‌های سیاسی هم توجه کند اما سیاست زده نباشد. با توجه به این فرمایشات ارزشمند من سعی کردم تمام ابعاد مدنظر ایشان را به عنوان دانشجوی خوب در خود تقویت کنم و این فعالیت‌ها نه تنها هرگز مانع تحصیل من نشد که سبب شد با انرژی بیشتری به امور آموزشی اهمیت دهم.

من در دوران دانشجویی فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی زیادی داشتم که می‌توانم به موارد زیر اشاره کنم: عضو کانون قرآن و عترت دانشگاه، دبیر مجمع کانون‌های قرآن دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، دبیر شورای عالی قرآن دانشگاه، عضو بسیج جامعه پزشکی، دبیر اتاق فکر بسیج جامعه پزشکی، عضو انجمن دانشجویی سفرهای پیاده‌روی به عتبات عالیات و عضو اتاق فکر دانشجویی نهاد رهبری

همچنین در زمینه علوم قرآنی با دوستانم در حوزه تفکر و تدبیر در قرآن کار می‌کنم و در مسابقات سراسری قرآن در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور هم توانستم دو بار مقام اول را کسب نمایم.

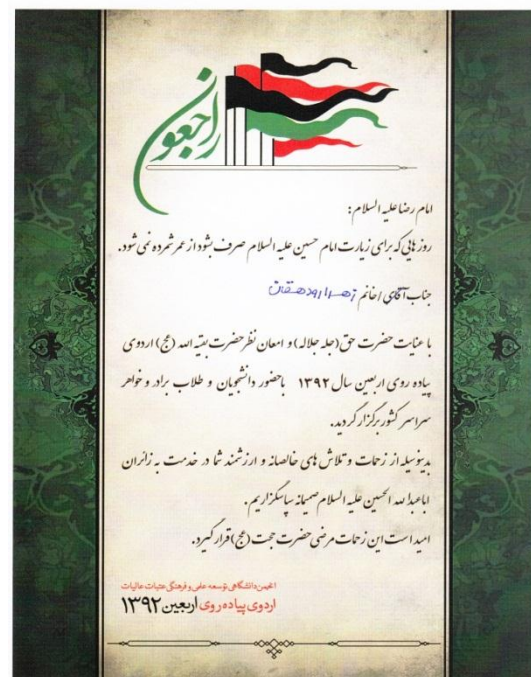
مصاحبه با زهرا رود دهقان دانشجوی مقطع PhD رشته آموزش پرستاری و برگزیده بخش اجتماعی اولین

جشنواره دانشجویی ابن سینا

در کنار این امور با توجه به لزوم ورزش در عرصه زندگی، در تمام دوران دانشجویی عضو تیم دو و میدانی دانشگاه در رشته‌های استقامتی ۸۰۰ متر و ۱۵۰۰ متر و ۳۰۰۰ متر بودم و دارای هفت مدال اول یا دومی در این رشته‌ها در سطح دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور هستم.

لطفاً از نحوه پذیرش خود در بخش اجتماعی اولین جشنواره دانشجویی ابن سینا برایمان بگوئید.

به هنگام برگزاری جشنواره ابن سینا و با توجه به فراخوان اعلام شده، مدارک و مستندات خود در خصوص امور فرهنگی ورزشی و قرآنی را به دبیرخانه همایش ارسال نمودم و پس از بررسی‌های لازم جزء برگزیدگان حیطة اجتماعی جشنواره قرار گرفتم.



آیا در ورزش از برنامه خاصی پیروی می کنید؟

در رابطه با ورزش باید بگویم که هر کاری که آدم بخواهد انجام بده احتیاج به یک بدن سالم دارد، لازم است که به لحاظ جسمی توانایی لازم برای انجام آن کار را داشته باشیم و یکی از فاکتورهای مهم تاثیرگذار در این سلامت جسمانی همین ورزش کردن و تحرک بدنی مناسب داشتن است.

من هم همیشه سعی میکنم تا آنجا که می توانم ورزش و تحرک بدنی داشته باشم. به صورت حرفه ای دو میدانی و آمادگی جسمانی کار می کنم و از دوران مدرسه تا دانشجویی ام یا جزء تیم دو میدانی بودم و یا آمادگی جسمانی و مقام های زیادی هم کسب کردم.

وقتهایی که نزدیک مسابقه است خب خیلی بیشتر و تقریباً هر روز تمرین های سنگین انجام میدهم اما در غیر وقتهای مسابقه بیشتر کوهنوردی، پیاده روی و ورزش های آمادگی جسمانی انجام میدهم.

شما چه توصیه ای به دانشجویان پرستاری جهت بالا بردن انگیزه درونی شان دارید؟

این حس درونی باید در وجود خود دانشجویان به وجود آید تا به جای اینکه بیشتر تأثیرپذیر باشند سعی کنند تأثیر گزار باشند. پرستاری شغل مقدسی است و اجر بسیاری به همراه دارد. موهبت گرفتن دست بیماران و کاستن از آلام آنان و خانواده هایشان نصیب هر کسی نمی شود پس باید قدر این لحظات را دانست و در فکر توانمندسازی بود. در گام های بعدی هم باید سعی کنیم ابعاد مختلف اجتماعی را در خودمان بسط و گسترش دهیم.

پرستار خوب کسی است که علاوه بر داشتن بدنی سالم و فکری سالم بتواند معنویت را هم در خودش رشد دهد و هنگام حضور بر بالین بیمار علاوه بر داشتن علم و دانش خوب با روحیه بالایی سعی در تخفیف آلام بیماران نماید.

نظر شما در مورد نقش حمایتی دولت از خانواده ایثارگران در زمان کنونی چیست؟

مسئله حمایت دولت ها از افراد آسیب دیده در جنگ با توجه به کمبودهایی که خانواده شهدا و ایثارگران دارند در همه جای دنیا متداول است. چون واقعاً خانواده این افراد رنج زیادی را تحمل می کنند و احتیاج به حمایت های ویژه جهت حضور گسترده تر در جامعه دارند. این مسئله خودش دو بعد دارد اولاً اینکه این گونه دانشجویان نباید تحت تأثیر صحبت های دیگران قرار بگیرند و دچار تخریب شخصیتی شوند و این حق را باید برای خودشان قائل باشند و نباید بگذارند ترس از معرفی شدن به نام خانواده ایثارگران به خاطر برخورد دیگران آنان را در لاک انزوا فروبرد. آن ها باید خود را وارث خون شهدا بدانند و در صف جلوی مبارزه بایستند انقلاب ما در سال ۵۷ به پایان نرسید و جنگ تحمیلی نیز با پذیرش قطعنامه تمام نشد اکنون انقلاب و جنگ وارد مرحله دیگری شده است و احتیاج به مبارزان جدید دارد و چه کسی بهتر از فرزندان شهدا و ایثارگران می تواند حافظ خون این عزیزان و

مصاحبه با زهرا رود دهقان دانشجوی مقطع phd رشته آموزش پرستاری و برگزیده بخش اجتماعی اولین

جشنواره دانشجویی ابن سینا

پاسدار دستاوردهای آنان باشد. پس باید در صف اول جبهه علمی ایستاد و نگذاشت اداره یک کشور اسلامی به دست نامحرمان انقلاب بیفتد و این میسر نیست جز با پشتکار و جدیت در تمام امور، چه علمی چه فرهنگی چه ورزشی یا مذهبی. بعد دوم بر می‌گردد به مسئولین. متأسفانه دست‌هایی در کار است تا حادثه جنگ و تمام رشادتهای فرزندان این مرز و بوم کمرنگ جلوه داده شود. باید آگاه بود و جلوی این مسائل را گرفت. نسل کنونی انقلاب را درک نکرده و از جنگ خاطره‌ای ندارد و این امر باعث شده حس ایثارگری در جامعه رنگ ببازد و فرزندان نسل دفاع از ترس شناخته شدن مهر سکوت بر لب‌هایشان بزنند.

به عنوان فرزند یک جانباز چه انتظاری از جامعه دارید؟

من هیچ انتظاری از جامعه ندارم. پدرم و هم‌زمانش هم برای کسب ثروت‌های دنیوی جان خود را در طبق اخلاص نگذاشتند بلکه این امر را وظیفه خود می‌دانستند. تنها خواسته من حرکت در جهت رضایت خدا و خلق خدا است ولی یک گلگی از دانشجویان و مسئولین دارم.

در سایر کشورها جو حاکم بر دانشگاه الگوی عمومی جو جامعه است و قشر تحصیل کرده در تمام امور خود را دخیل می‌دانند ولی متأسفانه در کشور ما قضیه کاملاً عکس است و جو دانشگاه تحت تأثیر جو جامعه قرار دارد و تعدادی از دانشجویان از رسالت دانشجویی خود غافل شده‌اند و به سمت غرب‌زدگی حرکت می‌کنند

غرب‌زدگی جز مسخ انسان‌ها رهاوردی برای دانشجویان نخواهد داشت و این مسئله دقت بیشتر مسئولین را جهت آگاهی دادن به این قشر آسیب‌پذیر طلب می‌کند. کشور ما قدمت و پیشینه‌ای فراتر از تمام تمدن‌ها دارد و باید بچه‌های ما به مرحله خودباوری برسند تا مثل عروسک بازیچه دشمنان قرار نگیرند. اگر ما می‌خواهیم معنویت را در جامعه گسترش دهیم و جلوی جریان غرب‌زدگی را بگیریم، اگر می‌خواهیم تولید علم داشته باشیم و اگر می‌خواهیم کشوری اسلامی و رو به رشد داشته باشیم باید قشر دانشجویی ما بیدار و آگاه باشد و نسبت به مسائل سیاسی حساس باشد و این مسئله را رسالت اصلی خود بدانند.

از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید سپاسگزارم.